آینه

ایران

سرمقاله: «آموزه‌های اجلاس ژنو»؛ سیدمحمد صدر

مذاکرات ژنو در حالی انجام شـد که... بیانیه مشترکی بعد از اتمام مذاکرات صادر شـد. ایـن بیانیه به این معنا است که دو طرف به یک تفاهم اولیه رسیده‌اند... به شکل مذاکرات برمی‌گردد که پشت درهای بسته صورت گرفت، انتظار هـم همین بود. علنی نشـدن مذاکرات به معنای این اسـت که جزییات برای محافل خبری مطرح نشـود و نه اینکه برای مسـوولان کشور مشخص نباشد. در حال حاضر همه مسوولان ایرانی در جریان این مساله هستند و می‌دانند اقدامات دیپلمات‌ها بر چه مبنایی انجام می‌شود.

کیهان

سـرمقاله: «دشـمن چرا راضی شـده؟!»؛ حسـین شریعتمداری

اگرچه آقای ظریف، وزیر محترم امور خارجه کشورمان تاکید کرده اسـت مذاکـرات ژنو محرمانه اسـت! ... ولی ذوق‌زدگی بی‌سـابقه حریف و اظهارنظر مقامات رسـمی کشورهای طرف مذاکره... حکایت از آن دارد که در مقابل امتیازهایی که داده‌ایم یا قول داده‌ایم و قرار اسـت بدهیم، هیچ امتیازی نگرفته‌ایم. این واقعیت تلخ واضح‌تر از آن است که «محرمانه» بماند... اعلام محرمانه‌بودن مذاکرات از یکسو دست طرف مقابل را که دشمن تابلودار اسلام و مردم ایران است برای انتشار خبر به گونه‌ای که مطلوب خود باشد، باز می‌گذارد و به آنهـا اجازه می‌دهد افکار عمومی را مطابق خواست و نظر ۱+۵ مدیریت کنند و از سوی دیگر، دست رسانه‌های خودی را برای بیان واقعیات و مقابله با عملیات روانی حریف می‌بندد و این مصداق همان گلایه سعدی در گلستان است که «سگ‌ها را گشاده‌اند و سنگ‌ها را بسته!»... تیم محترم هسـته‌ای کشـورمان با اعلام محرمانه‌بودن مذاکـرات، این تردید را در افکار عمومی پدید می‌آورد که مبادا، امتیازات «نابه‌جایی» به حریف داده‌اند که از اعلام آن بیم دارند؟!

اعتراض گسـترده خانواده شهدا به سکوت مرموز موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)

در پی انتشـار مطلبی سخیف و توهین‌آمیز نسبت به خانواده شـهدا و امام راحـل در صفحه فیس‌بوک نعیمه اشـراقی، موجی از اعتراض و انزجار نسبت به این موضوع به راه افتاد... در بخشـی از بیانیه جمعی از خانواده شهدا و ایثارگران آمده است: ...متاسفانه این روزها خاطره‌سازی‌های دروغ و منسـوب‌کردن آن به حضرت امـام(ره) به اتفاقی عادی در عرصه سیاسـی کشور تبدیل شده... در این بین «بی‌موضع بودن» موسسه حفظ آثار امام(ره) از همه جالب‌تر است. این موسسـه ترجیح داده که به جای موضع‌گیری درباره این داستان‌سرایی‌ها و نسبت‌دادن آن به امام روح‌الله، سـکوت پیشـه کند... اگر از ابتدا و زمانی که برخی افراد، حضرت امام(ره) را مخالف شـعار مرگ بر آمریکای ملت ایران معرفی کردند، برخورد لازم صورت می‌گرفت، امروز شاهد چنین اظهارنظر سخیفی نبودیم.

جمهوری اسلامی

دستور سیدحسن خمینی به نعیمه اشراقی

به‌دنبـال حواشـی و واکنش‌های تند خانواده شـهدا بـه اظهارنظر صفحه فیس‌بوک نعیمه اشـراقی، وی عازم اصفهان می‌شـود تا از خانواده شهید همت دلجویی کند. براساس همین گزارش، به دلیل ناراحتی شدیدی که در میان دوسـتداران امام و انقلاب به‌خصوص خانواده معظم شـهدا ایجاد شده بود، سیدحسـن خمینی در تماسی با نعیمه اشراقی به وی دسـتور داده و تاکید کرده علاوه بر انتشار بیانیه دلجویی، صفحه فیس‌بوک خود را نیز مسدود کند که وی به این کار مبادرت ورزیده است.

قانون

گفت‌وگو با برادر احمدی‌نژاد: افشـاگری میلیاردی داوود علیه محمود

احمدی‌نـژاد عقلـش را به دسـت جریـان انحرافی داد... آدم‌های بی‌ترمز و بی‌منطق به سرنوشـت منافقین مبتلا می‌شـوند... هرکس با مشـایی مخالفـت می‌کرد برکنار می‌شـد... وقتـی برای یک دانشـگاه خلاف قانون ۱۶میلیاردتومـان بـدون اجـازه برمـی‌دارد دولت پاک کجاست؟ ...هزاران دزدی از بیت‌المال در زمان احمدی‌نژاد رخ داد که هنوز رو نشـده... وقتی امام(س) و رهبر انقلاب می‌گویند اختلاف‌افکنی حرام است این آقایان قوای دیگر را برنتافتند و رفتند در مجلس جنگ راه انداختند. از سوی دیگر وقتی قوه‌قضاییه مجرمان را احضار می‌کرد این آقایان نمی‌گذاشتند مجرمان به پیشگاه قانون بروند و این یعنی به حرف قانون و رهبری توجهی ندارند... اسنادی علیه وزرای این دولت نیز داریم که چه خلاف‌هایی کرده‌اند ولی چون چشـم ما به دهان مقام‌معظم‌رهبری است و ایشان هنوز اظهارنظر نکرده‌اند ما نیز سکوت می‌کنیم.

اعتماد

یادداشت: «حـق زنده‌مانـدن و منـع شـرعی اعدام مجدد»؛ عمادالدین باقی

حتی با فـرض دفاع از مجازات اعـدام و در چارچوب همیـن قوانین و فتاوای موجود هم اعدام مجدد فردی که پس از اجرای حکم زنده مانده، خلاف شـرع اسـت... دور نیست که فلسفه انذار شرع و حقوق سنتی نیز این باشد که اصرار بر اعدام مجدد، موجب القای شهوت انتقام می‌شود که در تضاد با توصیه‌های مکرر شارع به عفو و مدارا حتی در مواردی که حق خصوصی وجود دارد و قتل عمد بیگناهی رخ داده اسـت (آیات ۴۵ سوره مائده و ۴۰ سوره شوری و بقره آیه ۱۷۸) اسـت. همچنین اثرات مخرب روانی اعدام مجدد در درجه نخست بر خانواده و نزدیکان محکوم و بعد در جامعه‌ای که از آن مطلع می‌شـوند و وهن حکومت و جامعه به سبب ترسیم سیمای خشونت از آنها و نیز تقویت فرهنگ خشـونت، به تنهایی ملاک کافی بر منع عقلی، شرعی، اخلاقی و قانونی اعدام مجدد است.

گفت‌وگو با رضا صالحی‌امیری، پس از ۲ ماه سرپرستی وزارت ورزش و جوانان:

ورزش مدیر استراتژیک می‌خواهد

صالحی‌امیری معتقد است دولت به تنهایی قادر به تکمیل پروژه‌های نیمه تمام ورزشی نیست،عکس:بهروز خسروی

ادامه از صفحه ۱۳

دربـاره مباحث فرهنگی توضیـح دادید، چهار تحول دیگری که شما به‌دنبال تحقق آنها در وزارت ورزش هستید کدامند؟

توسعه ورزش همگانی، توسعه ورزش بانوان، توسعه فضاهای ورزشی و ایجاد تحول در حوزه جوانان. نکته دوم در بحث ورزش بعد از بحث فرهنگ، ورزش همگانی است. غربی‌ها از دهه ۶۰ روی این کار مطالعه کردند. ورزش همگانی موضوع بسـیار مهمی اسـت و در ایران به آن پرداخته نشده و تقاضا می‌کنم اصحاب رسـانه به آن بپردازند. غربی‌ها در دهه ۶۰ برای کاهش هزینه درمان به بحث ارتقای سـلامت رسـیدند. در بحث ارتقای سلامت، رسیدن به اینکه مهم‌ترین ظرفیت برای سلامت که کم‌هزینه هم باشد، ورزش همگانی است. ورزش همگانـی را، انجام نرمش و حرکات مـوزون، روزانه به‌مدت نیم تا یک ساعت در سبد هر شهروند و همچنین راهپیمایی، کوه‌پیمایی، دوچرخه‌سواری و ورزش‌های سبک تعریف کردند. در اروپا مطرح شد که ورزش همگانی علاوه بر سـلامت، نشـاط را هم به‌همراه دارد. در گزارشی می‌خواندم که در فنلاند ۸۰درصد مردم در سـبد زندگی روزانه‌شان ورزش همگانی دارند. این آمار در ایران ۹درصد است. مقام‌معظم‌رهبری در چهار سخنرانی‌شان به‌صورت جدی بـه توجه به ورزش همگانی تاکید کردند و فرمودند برای جوان‌ها لازم و برای کهنسـالان واجب است که تعابیر بسـیار زیبایی است. اما نکته این است که باوجود اینکه در ایران هزینه درمان بسـیار بالاسـت و به‌شـدت افراد جامعه، به‌خصـوص بانوان، از فقر حرکتی می‌رنجند امـا ورزش همگانی یک حرکت عمومی نیست. لازمه این کار چند مساله جدی است. نخست، فرهنگ‌سازی است که به سمت ورزش همگانی برویم که این برعهده صداوسیما، رسانه‌ها، نخبگان، علما و حوزه علمیه است. سطح بعدی سیاستگذاری است که برعهده ماست. اولین کاری که انجام دادیم این است که سطح ساختار ورزش همگانی را از یک دفتر تبدیل به معاونت کنیم و جناب آقای خسروی‌وفا را به معاونت آن منصوب کردیم که ایشان کار را شروع کردند. هدف ما گسترش و فراگیرکردن ورزش همگانی در همه سطوح سنی کشور از مدرسه تا کهنسالی است. علاوه بر آنچه در غرب تعریف شده؛ سلامت و نشاط، در ایران دو عامل دیگر هم در ورزش همگانی بسیار تعیین‌کننده است. نخست اینکه خانم‌ها در ایران چون اکثرا خانه‌دار هستند، با آمدن به فضای ورزش همگانی و تکرار این وضعیت با کاهش افسردگی و فقر حرکتی مواجه خواهند شد. برای جوان‌ها هم با کاهش آسیب‌های اجتماعی و کاهش اعتیاد و آسیب‌های دیگر اجتماعی همراه خواهد بود. تاکید می‌کنم که باید به مسـاله ورزش همگانی مثل ورزش قهرمانی در ایران توجه شود که انشاءالله ما برنامه مبسوطی برای گسترش ورزش همگانی داریم که به جای اینکه مردم در یک شهر و در یک روز خاص به خیابان بیایند، این همیشـگی و شامل همه مردم باشد. یک ویژگی مهم دیگر هم این است که این ورزش اسـتانداردهای متعارف را ندارد. با هر کفش و با هر لباسـی در هر محیطی از پارک و کوچه و خیابان می‌توانید ورزش همگانی داشته باشید.

این برنامه‌هایی که شما در زمینه توسعه ورزش همگانی توضیح دادید خیلی خوب است منتها به نظر شما ورزش همگانی با استاندارد زندگی در ارتباط نیسـت؟ به هر حال وقتی یک شهروند خیلی دغدغه معاش دارد، چند شـغله اسـت تا چرخ زندگـی‌اش بچرخد، به نظر می‌رسـد ورزش از اولویت‌های زندگی‌اش پاک شود...

برای این برنامه سـه سطح داریم، یک سطح، مدارس و دانشگاه‌ها هستند که این می‌تواند در برنامه و جدول مدرسه، دانشگاه و نهادهای دولتی تعریف شود که کم هم نیستند؛ ۱۲میلیون و ۳۰۰هزارنفر دانش‌آموز، چهارونیم‌میلیون دانشجو و رقم بزرگ کارکنان دولت، که این ترکیب چیزی نزدیک به ۲۰میلیون جمعیت را تحت پوشش قرار می‌دهد. جمعیت دوم، مجموعه کارگری کشور است. این جمعیت هم جمعیت بزرگی است که قریب به ۲۰میلیون نفر را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. جمعیت سوم، خانم‌های خانه‌دار هستند که در خانه بوده و مسوولیت خانه رسالت اصلی آنان است. ملاحظه می‌کنید که با شمارش این سه جمعیت، بسیاری از آنان می‌توانند در نظام برنامه‌ریزی یک کارخانه، یک شرکت، یک مسـجد، نمازجمعه، حوزه‌های علمیه، سربازخانه‌ها، مراکز نظامی، آموزش‌وپرورش، آمـوزش عالی و دولت قرار بگیرند، اگر این ظرفیت را در نظر بگیرید، می‌بینید که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند. قبول داریم که مساله معیشت مساله‌ای جدی است. اما این کار به‌عنوان سلامت و نشاط جامعه، بخشـی از نیازهای یک انسان است. نمی‌توان گفت فردی که مشکل معیشـتی دارد، نیاز به معنویت، نیاز به نشـاط و نیاز به اخلاق ندارد. بنابراین معیشت یک نیاز است و سلامت هم یک نیاز در عرض آن است.

محور سـوم برنامه‌تان برای تحول در وزارت ورزش و جوانان به توسعه فضای ورزشی برمی‌گردد. در گام اول با پروژه‌های نیمه‌تمام چه می‌کنید؟

استاندارد فضای ورزشی ایران بنا بر آمار موجود درحال حاضر ۵۴سانتیمتر اسـت. این استاندارد در جهان سه‌متر است. ما نیازمند توسعه فضای ورزشی هسـتیم اما اشـکال در اینجاسـت که تاکنـون تمام تلاش برای گسـترش ورزشـگاه‌ها از طریق بودجه دولت بوده اسـت. در سیاسـت جدید، ما تلاش برای مشارکت‌جویی و حضور بخش خصوصی، تعاونی‌ها، شوراها، شهرداری‌ها، نهادهای عمومی، قهرمانان ورزشـی، هواداران ورزشـی و امنای شـهرها در سـاخت و نگهداری ورزشـگاه‌ها به‌طور جدی داریم. دولت نمی‌تواند با توجه به مشـکلات بودجه‌ای همه نیازهای توسـعه ورزشگاهی را تامین کند. امروز ما با سه‌هزارو۲۰۰ پروژه نیمه‌تمام مواجه هستیم. بار مالی اینها برای تکمیل حدود شش‌هزارمیلیاردتومان برآورد شده، نه دولت قادر است و نه ما قادریم این مجموعه‌ها را تکمیل کنیم. در چنین وضعیتی، منطقی‌ترین کار مشارکت‌جویی نهادهای عمومی، تعاونی، خصوصی، شـوراها، قهرمانان ورزشی، ورزشکاران و تشکیل هیات‌امنا برای نگهداری ورزشگاه‌ها و حضور خیرین ورزشگاه‌ساز است این رویکردی جدی اسـت و ما به‌دنبال سـازوکارهایی برای گسترش حضور بخش غیردولتی در عرصه ورزشگاه‌ها هستیم. یکی از آن سازوکارهایی که اینجا می‌تواند تعریف شود، تشکیل شرکت‌های سهامی است که ۵۱درصد هواداران ورزشـی شهر و ۴۹درصد پیشکسوتان یا افراد دیگر در شهر، خود یک محیط ورزشی را خودگردان اداره کنند. مطمئن باشید مردم بهتر از دولت می‌توانند ورزشگاه اداره کنند.

در سال‌های گذشته به دفعات از نحوه ساخت‌وسازهای ورزشی انتقاد شد. گفته می‌شـد نباید بسـیاری از این پروژه‌ها کلنگ می‌خورد. به نظر می‌رسید مطالعه درستی روی آنها نشده بود و اقدامات بیشتر نمایشی بوده. شما با این نظر موافقید؟

در یک جمله می‌توانم بگویم: آنچه اتفاق افتاد، حاصل بی‌تدبیری بود. بدون مطالعه جامع، بدون نیازسنجی، تحت فشارهای محلی، منطقه‌ای یا سیاسی تصمیم‌گیری شد، بدون اینکه برآورد مالی لازم، تامین منابع و پیش‌بینی اتمام پروژه بکنند، فقط سیاسـت ایجاد تعهد و کلنگ‌زنی بود و قطعا این سیاست جواب نداد و نخواهد داد.

عنوان کردید تحول چهارم در بخش بانوان اسـت، قبول دارید در این زمینه کارهای زیادی باید انجام شود؟

بله. برنامه چهارم تحول در بحث ورزش بانوان است. بانوان نیمی از جامعه هستند اما در حوزه ورزش آنچه در فهرست ۱۳هزار هیات ورزشی در سراسر کشور داریم، جمعیت آقایان حاضر در عرصه ورزش چیزی در حدود شش و نیم‌میلیـون و خانم‌ها حدود ۶۰هزارنفر اسـت. در نتیجه از هفت‌میلیون جمعیت سازماندهی‌شـده در عرصه ورزش در قالب ۱۳هزار هیات ورزشی متاسفانه حضور زنان بسیار کمرنگ است. برطرف‌کردن کمرنگ‌بودن حضور بانوان، نیازمند یک برنامه‌ریزی است که بتوانیم ورزش بانوان را تقویت کنیم تـا به حوزه ورزش آقایان نزدیک شـود. الان ایـن وضعیت به لحاظ آماری قابل‌قبول نیست. برای این اتفاق نیازمند برنامه‌ریزی هستیم؛ یک برنامه کیفی و یک برنامه کمی. برنامه کیفی دال بر ایجاد فرهنگ‌سازی و انگیزش در بانوان برای حضور در مجامع ورزشی است. برنامه کمی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای رشد حضور بیشتر زنان از طریق بودجه، برنامه و ساختار متناسب در نظام‌های ورزش همگانی و قهرمانی است. البته می‌توانیم از ظرفیت ورزشی زنان کشورهای اسلامی استفاده کنیم و این هم می‌تواند ظرفیتی باشد که قابل مطالعه است. بحث پنجم، موضوع جوانان است. مساله‌های اصلی جوانان، بحث ارتقای هویت دینی و ملی جوانان، بحث نشـاط و شـادی و امید در جوانان و مساله سوم بحث اشتغال، معیشت و مسکن جوانان است. موضوع بعدی انسـجام خانواده و جوانان و مسـاله پنجم جوان‌باوری است؛ باور به فرصت‌بودن به جوانان است. مساله بعدی مشارکت‌جویی جوانان و ساماندهی جوانان در قالب نهادهای مدنی و «سـازمان‌های مردم‌نهاد» است. در نهایت، مدیریت و کاهش آسـیب‌های جوانان اسـت که انشاءالله بنای ما این است که یک شورای راهبردی جوانان ستاد و شورای ساماندهی جوانان با حضور ۲۳دستگاه و شـورایعالی جوانان به‌عنوان مرجع اصلی جوانان بیشتر فعال شـود. ما به‌عنوان ستاد جوانان در کشور هستیم. وظیفه این ستاد مطالعه، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا توسط دستگاه‌های ذی‌ربط خواهد بود.

عکس: آیدین رهبر، شرق

به هیچ‌وجه بنده، معاونان و مدیران من، وارد حاشیه نخواهند شد و این یک سیاست قطعی است.
اگر بناست اتفاقی در وزارت ورزش بیفتد ما نیازمند یک برنامه جامع، بلندمدت و همه‌جانبه‌نگر هستیم.
رسالت بنده در وزارت ورزش، طراحی و تدوین یک برنامه استراتژیک و جامع است و عملیاتی‌کردن آن

شـما در بحث توسـعه اماکن ورزشـی عنوان کردیـد وزارت ورزش به‌دنبال اسـتفاده از بخش خصوصی است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در زمینه کم‌شـدن تصدی دولت در ورزش می‌تواند انجام شود واگذاری دو باشـگاه استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی است. چندین سال اسـت که دولت اعلام می‌کند می‌خواهد این دو باشـگاه دولتی را واگذار کند اما در نهایت این کار انجام نشـد. به نظر می‌رسد دل‌کندن از این دو ویترین پربیننده که می‌توان از آن بهره‌های سیاسی و اجتماعی برد کمی سخت باشد؟

در رابطه با دو باشـگاه استقلال و پرسـپولیس باید بگویم که از این پس دولت و وزارت ورزش قایل به باشـگاه‌داری نیست. باشگاه‌داری و حوزه ورزش حرفه‌ای به حوزه تخصصی خودش مربوط اسـت. امروز به‌عنوان مثال عرض می‌کنم که فوتبال می‌تواند یک صنعت سوددهنده باشد و نه اینکه وابستگی به بودجه دولت داشته باشد. قطعا در حوزه حرفه‌ای سرمایه‌گذاری نخواهیم کرد و عمدتا بخش‌های خصوصی، نهادهای عمومی، پیشکسوتان، هواداران و قهرمانان را برای این کار دعوت می‌کنیم. برای واگذاری اسـتقلال و پرسـپولیس یک کارگروه تعریف کردیم که تا پایان سال، حداکثر آن دو را واگذار خواهیم کرد. سـازوکارهایی را برای آن تعریف کردیم که چگونه بتوانیم با تعامل با سازمان خصوصی‌سازی این دو را به خود قهرمانان، پیشکسوتان باشگاه و هواداران آنها واگذار کنیم که الان این گروه در حال مطالعه اسـت. این کارگروه متشـکل از ۱۰نفـر اسـت؛ دو متخصص اقتصادی از جمله از خصوصی‌سـازی، دو نفر حقوقدان، دو نفر از نمایندگی پرسپولیس، دو نفر از نمایندگی استقلال و دو نفر هم از جانب وزیر. این کمیته ۱۰نفره شکل گرفته که در حال مطالعه راه‌های خصوصی‌سازی این دو باشـگاه هستند که در آینده نزدیک انشاءالله تصمیم خواهیم گرفت و سیاست قطعی ما این است که تا پایان سال ۱۳۹۲ که مجوز مجلس را داریم این دو باشگاه را واگذار کنیم.

قبـول داریـد در سـال‌های قبل بیشـتر شـعار واگذاری اسـتقلال و پرسپولیس داده شده و اراده‌ای برای این کار در دولت وجود نداشته است؟

من جواب کلی می‌دهم: اساسـا سیاسـت ما در وزارت ورزش بازگشت به گذشته نیست. ما فرصت زیادی نداریم و باید همه انرژی‌مان را مصروف آینده کنیم.

ورزش متاسـفانه یا خوشبختانه تابلو نتایج دارد. در نهایت خیلی از مردم و کارشناسان با دیدن نتایج درباره عملکرد شما قضاوت می‌کنند حتی اگر در بحث‌های کلان و توسـعه‌ای فوق‌العـاده کار کنید. خودتان در این مدت شـاهد بودید که موفقیت‌های ورزش در فوتبال، کشـتی، بسـکتبال، والیبال، وزنه‌برداری و رشـته‌های دیگـر چه موج مثبتی در جامعه و خانواده ورزش ایجاد کرد. در آینده شـما مسابقات مهمی چون بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴، جام‌جهانی فوتبال، مسابقات قهرمانی جهان در رشته‌های مختلف و المپیک ۲۰۱۶ را پیش‌رو دارید. طبیعتا مردم انتظار دارند موفقیت‌های قبل تکرار شود. اما یک نگرانی هم وجود دارد، ورزش قهرمانی وابسـته به منابع انسانی اسـت که همان ورزشکارانند. بعد از المپیک بسیاری از قهرمانان ورزش ایران حاشیه‌نشین شدند، برای این مشکل به‌دنبال چاره‌اندیشی نیستید؟

بـا صراحت عرض کنم که من معتقدم: جامعه قهرمانی ما ظرفیت بزرگی اسـت که دایم همانند چشمه‌ای جوشان می‌جوشد و می‌تواند منشا تحولات باشد. همیشه ورزش قهرمانی به این صورت است که برای همه قهرمانان، یک ورود به صحنه قهرمانی، اوج و دوران افول وجود دارد. این منطق ورزش قهرمانی است که همه قهرمانان یک روزی ورود کردند، اوج گرفتند و طبعا افول کردند. تداوم این وضعیت در کشور طبیعی است. وظیفه ما تلاش برای ساماندهی در بستر ملی است، نه نظام گلخانه‌ای. نظام گلخانه‌ای به معنای انتخاب تک‌ستاره‌ها و آموزش‌های فشـرده زیر سالن اسـت که ما را به جایی نخواهد برد. مدال‌ها در مقاطع خاص خواهد بود و بعد افول خواهد داشـت. اما سیاست قطعی ما گسـترش ورزش به سـطح ملی اسـت که از آن به نام نظام کاشت، داشت و برداشت نام می‌بریم یعنی شما باید از سطح ملی بکارید پرورش دهید و برداشت کنید. در همه رشته‌ها بهترین بستر، بستر کاشت در بستر ملی است و یکی از این بسـترهای کاشت آموزشگاه‌ها هستند، کارخانجات و کارگران عزیزمان و زنان و دختران ما نیز از جمله این بسـترها هسـتند. مجموعه‌ای از ظرفیت ملی باید به‌تدریج در ورزش قهرمانی وارد شوند. من معتقدم: این ظرفیت در کشور به دلیل جوان بودن جامعه بسیار ظرفیت بزرگی است، هیچ‌گونه نگرانی و دغدغه‌ای نسـبت به تداوم حضور نیروهای جوان و درخشش آنها در ورزش قهرمانی نخواهیم داشت. شاهد بودیم که در همین چند سال اخیر، چهره‌های جدید و ناشناس در حوزه‌های مختلف فوتبال، بسکتبال، والیبال، کشتی و غیره آمدند و درخشیدند. اخیرا شاهد قهرمانی ورزش کشتی نیز بودیم.

به نظر می‌رسـد شـما و گروه کاری‌تان اصلا نمی‌خواهید وارد مسایل حاشیه‌ای شوید؟

مهم‌ترین رسـالت وزیر و کادر اصلی وزارت ورزش و جوانان بر این اسـت که وارد حاشیه‌ها نشوند. در حوزه ورزش یک متن داریم و یک حاشیه بزرگ. به هیچ‌وجه بنده، معاونان و مدیران من، وارد حاشـیه نخواهند شد و این یک سیاست قطعی است. اگر بناست اتفاقی در وزارت ورزش بیفتد ما نیازمند یک برنامه جامع، بلندمدت و همه‌جانبه‌نگر هستیم. رسالت بنده در وزارت ورزش، طراحی و تدوین یک برنامه اسـتراتژیک و جامع اسـت و عملیاتی‌کردن آن، که انشـاءالله من این برنامـه را به مجلس اعلام خواهم کرد و بر اسـاس این برنامه، عملیات اجرایی خودمان را آغاز خواهیم کرد. ما در وزارت ورزش کلا در چارچوب برنامه حرکت خواهیم کرد و بنای ما این است که وارد حواشی نشویم. حاشیه‌ها وزیر و معاونان وزارتخانه را به انحراف خواهد کشاند. در ضمن وقتی از ورزش یا از فوتبال صحبت می‌کنید با یک جامعه حداقل ۳۰ تا ۴۰میلیونی مخاطب صحبت می‌کنید. شما انتظار نداشته باشید در یک جامعه بزرگ ۳۰ تا ۴۰میلیونی هیچ اتفاقی نیفتد. به‌طور طبیعی وقایع و اتفاقاتی شکل می‌گیرد. ما به‌عنوان مدیران وزارتخانه باید در مسیر برنامه خود حرکت کنیم، در عین حال باید مشکلات دستگاه را هم رصد کرده، مدیریت کنیم و کاهش دهیم. اتفاقاتی که در عرصه فوتبال و ورزش‌های دیگر می‌افتد به‌صورت روزمره طبیعی است و برعهده فدراسیون‌هاست و رییس فدراسیون باید به آنها پاسخگو باشد. وزارتخانه نباید به‌صورت دایم، درگیر حواشی باشد.

قبول دارید منشـا بخشـی از این حواشی، سـطحی‌نگری در ورزش است؟

من تعبیر شما را نمی‌پسندم، معتقدم که جامعه ورزش از حساسیت بالایی برخوردار است و در عرصه ورزش، رقابت بسیار جدی است. در این شرایط که بخش زیادی از جامعه درگیر هستند، به‌طور طبیعی رقابت باعث به‌وجودآمدن برخی مشـکلات و اختلافات هم خواهد شـد. نباید نظام زیاد حساسـیت به خرج بدهد. مجموعه‌ای از این شور، هیجان و مباحث در حوزه ورزش طبیعی است و آن را نباید بیش‌ازحد فربه کرد. به اعتقاد من یک جمعیت بزرگ چند ده‌میلیونی در حوزه‌های ۵۰گانه ورزشی از فوتبال تا اسکیت به‌طور طبیعی در حوزه تحول خود دچار چالش‌ها و مشکلات و نیز دچار فرصت‌هایی می‌شوند. نقد من به رسانه‌ها این است که فرصت‌های جامعه ورزش را کمتر و ضعف‌های آن را بیشتر می‌بینند.

حالا که به اینجا رسـیدیم اجازه دهید یک سـوال حاشـیه‌ای از شما بپرسم. شما یکی از اولین کارهایی که در ساختمان وزارت ورزش در سئول انجام دادید این بود که اتاق وزیر را عوض کردید. دلیلش چه بود؟

اتـاق وزیر بیش از نیاز یک وزیر بود و مـن این اتاق را به اتاق کنفرانس و جلسـات عمومی تبدیل کردم. در حاشیه همان اتاق، اتاق دیگری بود که آن را کردیم اتاق وزیر.

و سـوال آخـر، در اخبار آمده بود آقایان جهانگیـری و نوبخت هم در نشسـت مدیران ورزش و روسای فدراسیون‌ها شـرکت کردند. حضور دو معاون رییس‌جمهور در نشست مدیران ورزش با چه اهدافی بود؟

تلاش ما این اسـت که مجموعه عزیزان ما در دولت نسـبت به‌کارکرد و ضرورت کمک و همیاری به وزارت ورزش و جوانان مساعدت کنند. برای این رویکرد دو نشسـت با اصحاب ورزش، مدیران و معاونت جوانان و فرهنگی با جناب آقای دکتر جهانگیری معاون اول رییس‌جمهور داشتیم. ایشان در یک نشست صمیمی و هم‌اندیشی، نزدیک به سه ساعت وقت گذاشتند و مسایل جامعه ورزش و جوانان را شنیدند. یک نشست هم‌اندیشی دیگر هم با جناب آقای دکتر نوبخت، معاون برنامه‌ریزی و راهبردی رییس‌جمهور داشتیم. روسای فدراسـیون‌های ورزشی و مدیران استان‌ها در این جلسه، سه ساعت به بحث پرداختند تا ایشـان هم در جریان مسایل و مشـکلات بودجه‌ای و ساختاری وزارتخانه قرار بگیرند. هر دو بزرگوار وعده کردند که به وزارت ورزش و جوانان برای رسیدن به اهداف متعالی‌اش کمک کنند.

ادامه از صفحه ۵

ماشین‌مشتی‌ممدلی تازه‌ترین تب پولدارها

محسن درباره خودرو ۵۰۰میلیون‌تومانی‌اش می‌گوید: یک مرسـدس‌بنز دهه ۴۵ میلادی اسـت که بسیار تمیز و نو اسـت و شب‌گذشـته معامله شـده و صاحب خودرو به‌زودی برای بـردن آن می‌آید. «حمیدرضا. ر» یکی دیگر از بنگاه‌داران خودرو قدیمی اسـت. او هم درباره چگونگی خرید خودروهای قدیمی حرف‌های شـنیدنی دارد: چون تعداد خودروهای قدیمی و باارزش موجود در کشـور کم، است در تمام شهرها معامله می‌کنیم و معامله‌مان معمولا به این صورت است که از صاحب خودرو می‌خواهیم چند عکس از نماهای مختلف و موتور ماشـین تهیه و برایمان ارسـال کند. در صورتی که خودرو را مناسـب تشـخیص دادیم برای معاینه حضوری اتومبیل و توافقات نهایی راهی آدرس مالک می‌شـویم و خـودرو را خریداری می‌کنیم و در مورد قیمت نهایی نیز بیشـتر اوقات ابتدا فروشـنده، سـقف قیمت مورد نظـرش را می‌گوید و معامله‌گر بنا به مصلحت شخصی با قیمت بازی می‌کند. حمیدرضا درباره خریداران اتومبیل‌های قدیمی نیز اینگونه می‌گوید: بیشتر مشتریان‌مان ثروتمندانی هستند که یک ماشین شاسی‌بلند برای استفاده شخصی دارند و یک خودرو قدیمی هم برای کلاس کاری می‌خرند. و اما بازار کرایه خودروهای قدیمی هم به اندازه خریدوفروش‌شـان داغ اسـت. «میرجلیلی» صاحب یک موسسـه کرایه ماشـین عروس که یکی، دو شـورلت قدیمی هم در فهرست اتومبیل‌های کرایه‌اش به چشـم می‌خورد، می‌گوید: این خودروهای قدیمی درجه سـه،چهار هستند و هیچ‌کس خودرو درجه‌یکش را کرایه نمی‌دهـد. او ادامه می‌دهد: این خودروها را به‌جز مراسـم عروسـی و جشـن‌ها معمولا به آنلیه‌های عکاسی و برای استفاده‌های تبلیغاتی اجاره می‌دهد و برای اجاره هر خودرو ۲۰۰میلیون‌تومان سـفته می‌گیرد و بنا بر شرایط اجاره، هزینه هر ساعت اجاره خودروهای قدیمی از ۱۵۰هزارتومان تا یک‌میلیون و ۵۰۰هزارتومان متغیر است. حالا در پایتخت بچه پولدارها نه‌فقط به شاسی‌بلندهای گرانقیمت و آخرین مدلشـان می‌نازند کـه انواع خودروهای قدیمـی از بنز و شـورلت و جیپ و بیوک و فولکـس و خودروهای ژاپنی معاصرشان گرفته تا پیکان‌جوانان خودمان، تب تند رقابت و چشم‌وهمچشمی را بین آنها راه انداخته است. خودروهایی که به خاطر توقف تولید و تاریخی‌بودنشان آس‌تر و خاص‌تر از هر خودرو گرانقیمت آخرین مدل نیز به‌شـمار می‌آیند و داشـتنش نه به صرف قیمت که به دلیل منحصربه‌فرد بودنش کار هرکسی نیست.

ادامه از صفحه اول

تقابل سیاست‌های افراطی با «مصلحت نظام»

۵- سیاسـت‌های خارجـی ما در دولت گذشـته مـورد اعتراض غالـب نخبگان و سیاسـتمداران بود و جـز تحریم‌هـای خسـارت‌بار ثمری در پی نداشـت. تورم‌های کمرشکن ناشـی از آن سیاست‌های افراطی و غیرکارشناسـانه بـود. افراطیون به آن سیاسـت‌ها دامن می‌زدند و خوشـحال بودند که در محافل جهانی تهاجم‌های لفظی از طرف دولت نسـبت به ابرقدرت‌ها صورت گرفته اسـت و تحریم‌ها کاغذپاره قلمداد شده است. برخی از آن جملات تند که بوی دشنام و خشونت داشت، تیتر نخست برخی رسانه‌های افراطی بود.

۶- در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، مردم به دولت اعتدال رای دادند تا سیاسـت‌های افراطی و تهاجمی حذف شـود. دیپلماسـی دولت اعتدال در سازمان ملل و نیویورک مورد استقبال جامعه جهانی و ملت ایران و مقام‌معظم‌رهبری ـ جز برخی حواشی که از نگاه ایشان بجا نبود ـ قرار گرفت. چند روز نگذشته بود که باز سروکله تندخویان سیاسی آشکار شده، از برخوردهای رسـانه‌ای گرفته تا پرتاب لنگه‌کفش در فرودگاه، توهین به رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در کرمانشاه و در دعای عرفه و حرکات تندخویانه دیگر، حاکی از آن اسـت که برخی منافع خود را در آشفته‌بازار سیاسـت، می‌بینند. ای‌کاش به‌جای این حرکات جنجالی نقدهای علمـی صورت می‌گرفت، زیرا هر سیاستی می‌تواند مورد نقد مخالفان قرار گیرد. نگارنده این سطور باز تاکید می‌کند که شعار مرگ بر این و آن و سوزاندن پرچم کشوری که نماد هویت آن کشور است، منافع ملی ما را تامین نمی‌کند بلکه به آن آسیب می‌رساند و سیاست‌های خصمانه را تشدید می‌کند. ما اگـر بخواهیم با دنیا رقابت کنیم تنها راه آن رقابت اقتصادی و اطلاعاتی اسـت و این هم بدون ارتباط سالم با کشورهای بزرگ صنعتی میسر نیست.

۷- در این چند سال گذشته هزاران متفکر، استاد، دانشجو و نخبه‌های علمی و صنعتی به آن سوی مرزها رفته‌اند، تمام اینها دل در گرو وطن خویش داشـته و دارند. در این رابطه خسـران بزرگی به کشور وارد شد. وزارت محتـرم اطلاعـات و وزارت محتـرم خارجه در دولت اعتدال باید سـعی خود را به‌کار گیرند تا زمینه بازگشـت اینها فراهم شود. باید آن رأفت و رحمتی که اسلام در برابر مخالفان خود داشت، فقط برای ثبت در تاریخ نباشـد و در عمـل آن را به کار گرفت. منتقدان در خارج از کشـ